

جشن فارغ‌التحصیلی

دانشجویان ورودی‌های نوبت اول و دوم

سال ۱۳۶۹

دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران

تهیه و تنظیم: دکتر وحید محلاتی

آقایان محمدرضا ذوالفقارپور و مصطفی کریمی را به عنوان بهترین دوستان خود انتخاب کردند و از آقای عباس فتحی یکی از جانبازان کلاس تقدیر به عمل آوردند.

سپس آقایان دکتر شفیعی و دکتر فرسام و خانم دکتر تاجرزاده به عنوان اساتید نمونه انتخاب شدند و از آقای دکتر خیرآبادی برای کمک به برگزاری جلسه جشن و هم چنین دکتر کبریایی و دکتر شریعت پناهی مسئولین آموزش دانشکده داروسازی تشکر کردند و نفرات برتر علمی خود را به شرح زیر معرفی نمودند.

۱ - خانم نثارونده با معدل ۱۷/۵۴

۲ - خانم هاله حامدی‌فر با معدل ۱۷/۳۷

۳ - خانم سعیده سلحشورفر با معدل ۱۷/۳۵ و

آقای سید لیس تاج‌سر با معدل ۱۷/۲۵

مراسم با اهداء لوح یادبود و قرائت دسته‌جمعی سوگندنامه پایان یافت.

گرچه مدت زیادی از زمان برگزاری جشن اول و هم‌چنین مراسم دومین ورودی سال ۶۹ می‌گذرد اما از آنجا که تعداد این مراسم به جهت افزایش تعداد دانشجویان ورودیها زیاد شده است بر آن شدیم تا در صورت امکان گزارش‌های هر ساله هر دانشکده را در قالب یک گزارش ارائه نماییم.

پنجاه و هفتمین دوره فارغ‌التحصیلان دانشکده داروسازی

مراسم ورودیهای نوبت اول ۶۹

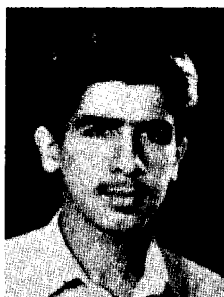
پس از پخش سرود جمهوری اسلامی ایران و قرائت آیاتی از کلام‌الله مجید مراسم با تقدیر از مرحومان دکتر قنبرپور و دکتر سندگل اساتیدی که دانشجویان نامشان را گرامی داشتند آغاز شد. پس از سخنرانی رئیس دانشکده داروسازی، دکتر عباس شفیعی، دانشجویان



خانم دکتر ماهه حامدی فر
رتبه دوم - ۶۹/۱



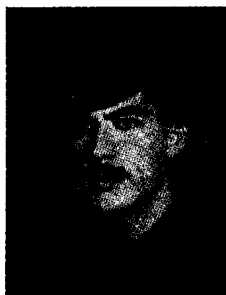
خانم دکتر ندا رونده
رتبه اول - ۶۹/۱



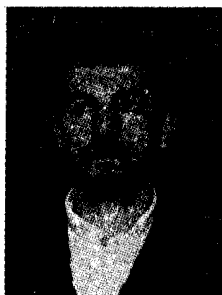
آقای دکتر سیدلیس تاج سر
رتبه سوم - ۶۹/۱



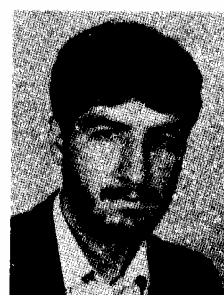
خانم دکتر سعیده سلحشورفر
رتبه سوم - ۶۹/۱



آقای دکتر حمیدرضا همت یار
رتبه اول
۶۹/۲



آقای دکتر محمدرضا ذوالفقارپور
برگزیده دانشجویان
۶۹/۱



آقای دکتر مصطفی کریمی
برگزیده دانشجویان
۶۹/۱

* متأسفانه علی‌رغم کوششهای به عمل آمده فقط به عکس رتبه اول ۶۹/۲ دست پیدا کردیم و از بقیه برگزیدگان ۶۹/۲ عکسی در اختیار نداریم.

مراسم ورودیه‌های ۶۹ نوبت دوم

ابتدا ناصر عرب نماینده دانشجویان ضمن خوشامدگویی به حضار گفت: «... امروز گردهم آمده‌ایم تا به بار نشستن نهالهایی را شاهد باشیم که ابتدا شاخه شکننده‌ای بیش نبودند، اما دست مهربان باغبان در تندباد حوادث تیمارشان کرد و غم‌خوارشان بود. و باغبان هم‌چنان تنها یار و یاور آنها بود. اگر از پاکی و عشق بگوییم ما هنوز نهالیم اما تربیت یافته و تیمار شده. اگر از باغبان بگوییم پشت‌خمیده و تکیده‌شده اما هم‌چنان مهربان و صمیمی...» سپس دکتر شفیع‌ی ضمن ابراز اغتنام از فرصت ایجادشده برای صحبت با تمام دانشجویان و خانواده‌های آنان، آخرین جمله‌ای که استادش در موقع اتمام دوره تخصصی به او گفته بود یادآوری کرد که:

«شفیع‌ی! تو الفبای یک چیزی را یاد گرفته‌ای ولی بقیه‌اش بستگی به همت خودت دارد.» و ادامه داد که: «در دانشگاه ما هم واقعاً همین حالت برقرار است و واقعاً همه مطالب را نمی‌توان در مدت ۵ سال آموزش داد. ما یک الفبایی را آموزش می‌دهیم اما گله‌های متعددی به ما می‌شود که مطالبی که در این دوره‌ها آموزش داده می‌شوند کافی نیستند. ما خودمان هم اذعان داریم که آنچه به شما دانشجویان یاد می‌دهیم همه مطالب نیست. الفبایی است و بقیه‌اش را دانشجوی باید پیگیری کند.»

البته این الفبا ۲ جهت دارد: یکی الفبای علمی و دیگری الفبای اخلاقی است که به نظر من دومی مهمتر است. شما ۱۷ سال

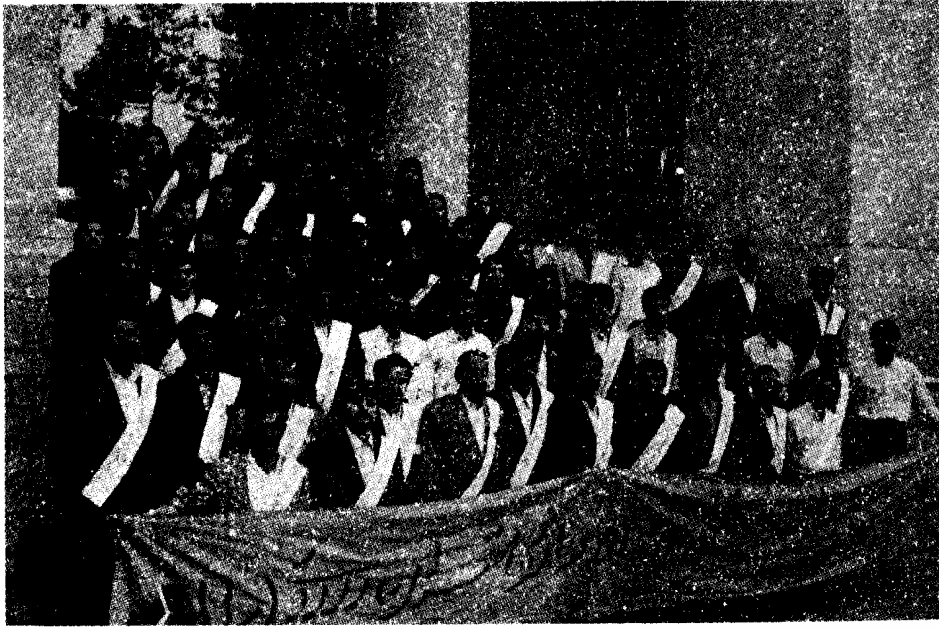
درس خوانده‌اید و خودتان، پدر و مادرتان و اساتیدتان زحمت کشیده‌اید تا یک درجه علمی کسب کرده‌اید. حال سؤال من اینست که این درجه به چه دردی می‌خورد که همه به دنبال آن هستند؟ آیا مهم القابی است که به دست می‌آیند؟ آنچه مهم است خدمتی است که از این القاب می‌توانیم به اجتماع بکنیم. اگر این طور نباشد با یک آدم بیسواد هیچ فرقی نداریم. بلکه آن آدم بیسواد ممکن است خدمت بیشتری به مردم بکند. ما وقتی وارد اجتماع می‌شویم ۲ وظیفه داریم:

۱- مطالب علمی را کنار نگذاریم و ادامه بدهیم.

۲- تمام فکرمات این باشد که چگونه به مردم خدمت کنیم.

هر روز که می‌گذرد انسان باید فکر کند که چه توشه‌ای در این دنیا اندوخته است؟ آیا اینکه فقط به فکر خودمان و تشکیل زندگی باشیم کافی است؟ انسانیت این است که به فکر مردم کشورمان هم باشیم. مردمی که چشم امیدشان به ما انسانهای تحصیلکرده جامعه است تا مشکلات کشور را رفع کنیم. و من به شما اطمینان می‌دهم که اگر مثل خیلی‌ها به فکر زندگی روزمره باشید ضرر خواهید کرد. خیلی زود این ایام می‌گذرد و موقع رفتن از دنیا می‌رسد. بعد افسوس می‌خورید که چرا این ۳۰-۴۰ سالی که کار می‌کردم در خدمت مردم نبودم.

کسب درآمد از راه ناصحیح راه شیطان است. آنچه می‌خواستم به عنوان آخرین نکته به شما بگویم همین است که برادران و



فارغ التحصیلان ورودی مهر ۶۹



فارغ التحصیلان ورودی بهمن ۶۹

لوح چنین است:

تناهذا، خداست کرمی ماند
همکار ارجمند،
ما قلمه هائی بودم که بر دریا پیوستیم، اما بنجام جدائی دریا، دریاستیم
باستم، این پیمانیت بگذاختیم بریکت بجز دیگر در عرض
زندگی عشق و تلاش
این لوح بر رسم یادبود شما اهدای شود تا اگر روزی فباز زمان را از روی آن
زود دیدید یاد آورید که،
قلمه دریاست اگر بار است و روز قلمه و دریا است

بهترین توصیف در مورد داروسازی از
خانم سیما نوحی این جمله پذیرفته شد که:

یاد الهی، صفای یک معالجه گر و توان نیرومند
یک داروساز، الطافی که بهبودی دردمندان را
نظاره کردند.

پس از ادای سمبلیک سوگندنامه، مراسم
زیبای اهداء گل از طرف دانشجویان به
خانواده هایشان انجام شد.

در خاتمه مراسم در گفتگوی کوتاهی با دکتر
کبریایی زاده معاون آموزشی دانشکده،
ایشان ابراز امیدواری کردند که جشنها و
مراسم بعدی را خود دانشکده داروسازی و
با امکانات بیشتری برگزار نمایند.

ارزیابی یک تدریس رویایی!

پس از اتمام مراسم به سراغ دانشجویان
رفتیم تا گفتگویی با ایشان انجام دهیم که

خواهران عزیز، زندگی واقعاً بسیار کوتاه
است، سعی کنید در طول عمرتان واقعاً در
خدمت مردم باشید. اگر این چنین باشد ۳۰
سال دیگر این کشور آقا است و اگر
تحصیل کرده ها راه انسانیت را طی نکنند،
مملکت واقعاً به جایی نمی رسد. انشاء الله
باروی خوش راه به سوی ابدیت را طی
کنیم.»

بعد از تقدیر و تشکر دکتر باستان حق
رئیس دانشگاه از دانشجویان، اساتید
و کارکنان دانشکده داروسازی دانشگاه
علوم پزشکی تهران و سخنان نماینده
محترم ولی فقیه و ذکر این حدیث نبوی که
«العلماء امثال الرسل» مراسم ادامه یافت.

باغبانان! سپاس گل بپذیر

بعد از آن دانشجویان ابتدا با تقدیر از
اساتید نمونه دکتر حسن فرسام، دکتر
فرمودی، دکتر جهانگیری، دکتر شادان،
دکتر موبدی و دکتر براننده دانشجویان برتر
علمی خود رابه شرح زیر معرفی نمودند:

آقایان حمید همت یار، فرید رمضانی،
کامبیز سلطان نژاد و خانمها مریم اخگری،
اعظم مالیر، فریده محمودزاده، آقای اکبر
محمدی، خانم نوشین جزایری و آقای
بهروز جنت.

دانشجویان هم چنین از آقایان حلاجیان
و موحّد تقدیر به عمل آوردند و از
نمایندگانی که برایشان زحمت کشیده بودند
تشکر کردند.

سپس لوح یادبود توسط اساتید دانشکده
داروسازی به دانشجویان اهداء شد. متن

ماحصل آنرا با هم مرور خواهیم کرد. در کل اکثر مصاحبه‌شوندگان بر این اعتقاد بودند که آموزش دانشکده ناکافی بوده بطوریکه رضایت آنان را جلب نکرده است و همگی از آینده شغلی خود نگران بودند و برنامه‌ای برای آینده خود نداشتند.

از دانشجویان پرسیدم نسبت به زمان آغاز تحصیلات دانشگاه از نظر علمی و اجتماعی چه تفاوتی کرده‌اند؟ آینده شغلی‌شان را چطور می‌بینند؟ در چه شاخه‌ای به کار مشغول می‌شوند و چقدر راجع به کاری که می‌خواهند انجام دهند اطلاعات دارند؟ و سعی کردم بفهمم دانشجویان کیفیت دوره آموزشی را که پشت سر گذاشته‌اند چگونه ارزیابی می‌کنند؟

آقای حسین حلاجیان گفت: از نظر علمی آن انتظاری که داشتم و احساس ارتقاء علمی در حدی که باید باشد نبوده است ولی از نظر فرهنگی قطعاً وضعیت بهتری دارم. او گفت که آنچه در دانشکده به ما آموخته‌اند با واقعیت تفاوت دارد. پرسیدم چه تفاوتی؟

«آنچه در دانشکده به ما آموختند پیگیری داروساز نسبت به بیماران بعد از خروج از داروخانه مثل تداخلات دارویی، توصیه‌ها، مراجعات مکرر بعد از گرفتن دارو در مورد مشاهده عوارض و نحوه مصرف دارو و... است در حالیکه واقعیت جز این است. در عین حال بعضی درسها به نحوی ارائه می‌شوند که عملاً فایده‌ای ندارد. مثلاً فیزیک یا بیولوژی که می‌خوانیم حالت محض دارد و بر مبنای آن هیچ کاربرد یا درس دیگری

ارائه نمی‌شود. یا واحدهای مختلف یک درس مثل شیمی دارویی با سیستم‌های مختلف تدریس می‌شوند و هماهنگی ندارند.»

او گفت: «می‌خواستم ادامه تحصیل بدهم ولی واقعیت‌های زندگی مجبورم می‌کند به داروخانه بپردازم.»

از او پرسیدم که شما که می‌خواهی در داروخانه کار کنی می‌دانی سود دارو چقدر است؟

- خیر از قوانین و روابط اقتصادی داروخانه چقدر اطلاع داری؟

- اطلاعی ندارم. اما با توجه به برخوردهایی که داشته‌ام اصل قضیه، فروش و نقدینگی زیاد در داروخانه است و اینجاست که مسأله مشابه دادن برای داروساز پیش می‌آید.

اگر نخواهد مشابه بدهد چه کار کند؟

- به ما در دانشکده نگفته‌اند. یعنی آنچه به ما تدریس شده برای یک حالت رویایی و استرلیزه بوده است.

آقای مهران ودایی گفت: «بعد از ۵-۶ سال در دانشگاه به ۷۰٪ آنچه می‌خواسته‌ام رسیده‌ام و اگر تلاش بیشتری داشتم به بقیه آن هم می‌رسیدم.» او گفت: «چون کارخانه‌ها از نظر تعداد داروساز اشباع هستند به داروخانه می‌روم ولی دوست داشتم ادامه تحصیل بدهم.»

سود دارو چقدر است؟

- سود دارو ۲۰٪ و ۵٪ هم سهم داروساز.

فکر می‌کنی بازار کار چگونه است؟

- خوب نیست و کار به سختی پیدا می‌شود.

برنامه شما برای مقابله با این سختی چیست؟
برنامه‌ای ندارم و پیش می‌روم تا آینده چه پیش
آید.

آقای حمید همت‌یار معتقد است فقط
درسهائی که مستقیماً مربوط به دارو هاست
برای افرادی که در دارو خانه کار می‌کنند مفید
است. او می‌خواهد ادامه تحصیل دهد و در آمد
کار در دارو خانه را کافی نمی‌داند و تلاش جمعی
دارو سازان برای ایجاد و گسترش کار
دارو سازی بالینی را لازمه پیشرفت دارو سازی
کشور می‌داند.

آقای رضا مسیحا می‌گوید به علت تعداد زیاد
دانشجو و بازار کار کمی که وجود دارد بینش
خوبی ندارد.
او می‌خواهد در دارو خانه کار کند و معتقد
است که یک دارو ساز خوب در هر شغلی که باشد
کار آیی خوبی دارد.
از قوانین بیمه و سود دارو وسایل اقتصادی
هم اطلاعات چندانی ندارد.

آقای مؤحد چون قبلاً کار دارویی کرده‌است
از قوانین مربوط اطلاع کافی دارد و فکر می‌کند و
خدمات بهتری ارائه خواهد داد. او می‌خواهد در
دارو خانه بیمارستان به کار مشغول شود.

خانم محمدپور می‌گوید که تجربیات
اجتماعی‌اش زیادتر شده است. دارو خانه را
ترجیح می‌دهد ولی از قوانین دارو خانه و... هیچ
اطلاعی ندارد. می‌گوید سیستم آموزشی
دانشکده ضعیف است، ساعات واحد کارآموزی

دارو خانه کم بوده و از تحقیقات پایان نامه‌ها
استفاده‌ای نمی‌شود.

خانم هاله رشیدی دارو خانه را ترجیح
می‌دهد. ولی از قوانین کار، بیمه و مالیات
و... اطلاعی ندارد. سود دارو را هم نمی‌داند و
عدم اطلاع از این مسائل را ناشی از کاستی‌های
سیستم آموزش می‌داند.

خانم مریم پورعلی می‌گوید: «فکر می‌کردم
فقط مسائل علمی برای دارو خانه لازم است
دانستن اینها لزومی ندارد.»

گفتگوی ما شامل گروهی دیگر از
دانشجویان سابق و فارغ‌التحصیلان فعلی نیز
می‌شد که به دلیل مشابهت نظر از طرح ادامه آنها
خودداری می‌کنیم. به خاطر دارم یک بار مرحوم
دکتر فرهی با نقل خاطره‌ای می‌گفت دارو سازان
فراسه معتقدند که «ما در نقطه وسط علم و
سرمایه قرار داریم». به نظر نگارنده این سطور
دانشکده‌های ما می‌توانند با خروج از حالت
رؤیایی خود به واقعیت‌های جامعه بپردازند.
امروزه سیستم‌های دانشگاهی بیشتر منتظر
آخرین مقالات روز هستند، البته چنین توجهی
خوب است ولی به شرطی که در خدمت رفع
نیازهای جامعه خودمان هم باشد و نه فقط در
جهت تکمیل اطلاعات علمی کشورهای دیگر. کلام
آخر اینکه: دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ما
علاوه بر کمبودهای مربوط به مسایل علمی، به
طور کلی و به شیوه علمی از مسائل اجتماعی
رشته خود بی‌خبرند و بر دانشکده‌های
دارو سازی و دوره‌های بازآموزی است که به
رفع این نقیصه همت گمارند.